



## یادداشت

سال ۱۴۰۲ سال مبارزه و مقاومت در مقابل استبداد و سرکوب

صادق کار



سال ۱۴۰۲ با همه ی سختی هایش در حالی به سر رسید که وضعیت عموم مردم بطرز کم سابقه‌ای از هر لحاظ بدتر از سال ۱۴۰۱ شد. فقر و گرانی، بی خانمانی، سرکوب و نرخ فلاکت با شتابی بیشتر نسبت به سالهای پیشتر رشد کرد ارزش پول و قدرت خرید و سطح زندگی اکثر مردم به درجات مختلف سقوط کرد. بر تعداد جمعیت زیر خط فقر میلیونها نفر افزوده شد، شکاف طبقاتی عمیقتر از پیش شد، اعدامها رکورد زد و به ۸۲۴ مورد رسید، زندانها از فعالین سیاسی، مدنی، فرهنگی، کارگری پرتز از همه ی سالهای گذشته شد. قریب یک میلیون دانش آموزدیگر بواسطه فقر و افزایش هزینه تحصیل یا پای شان به مدرسه نرسید یا مجبور به ترک تحصیل شدند. در سال گذشته اعتراضات کارگری نیز پا به پای وخامت اوضاع اقتصادی در اثر افزایش فاصله فاحش میان دستمزدها و هزینه های زندگی گسترش و به بیش از ۱۹۰۰ اعتراض و اعتصاب گزارش شده، رسید

تنها در سال گذشته صدها اعتراض خیابانی توسط بازنشستگان با خواست افزایش حقوق بازنشستگی، بیمه کارآمد، همسان سازی حقوق و در اعتراض به بالا رفتن قیمت دارو و افزایش هزینه درمان انجام گرفت. اعتراضات معلمان نیز در سال گذشته به رغم بازداشت و محاکمه و محکومیت صدها معلم و فرهنگی به زندان، اخراج، تبعید و انواع محدودیتها با قوت ادامه پیدا کرد و معلمان و کارگران تا حدود زیادی خلا حضور خیابانی جنبش انقلابی تحت سرکوب را پر کردند

اعتراضات پرستاران بار دیگر از سر گرفته شد. پرستاران با برگزاری اعتراضات در شهرهای مختلف دولت و کارفرمایان را بطور جدی به چالش کشیدند

کارگران فولاد، هفت تپه، ذوب آهن، ماشین سازی های تبریز و اراک، خودروسازی ها، معادن مختلف، شهرداریها، ابنیه فنی راه آهن، مخابرات، سیمپانان، کارکنان راه آهن، مترو، کاغذ سازی، رانندگان و اتوبوسرانان، و از همه گسترده تر کارگران رسمی و پیمانی شرکتها نفتی دهها بار به اعتراض برخاستند. علاوه بر کمیت کیفیت اعتراضات نیز به نحو محسوسی ارتقا پیدا کرد و بتدریج مطالبات اعتراض کنندگان سیاسی تر از گذشته شد. کارگران و سایر گروه های مزد و حقوق بگیر در تجربه عملی خود پی بردند که مبارزات صنفی صرف به تنهایی کارآمد و راه گشا نیست. امسال نیز تعداد دیگری از رهبران و فعالین سندیکایی بازداشت و پس از محاکمات ساختگی به زندان های طولانی محکوم شدند



سختگیری و آزار و اذیت زندانیان سیاسی و کارگری در زندان ها افزایش یافت. رژیم سرکوبگر دایره بازداشت‌های خود را گسترده تر از قبل کرد. به غیر از وکلایی که وکلات زندانیان سیاسی و مدنی را پذیرفته بودند، ده‌ها تن نویسنده، روزنامه نگار، فعال محیط زیست، فعال حقوق بشر، دانشجو و هنرمند و خواننده نیز روانه زندان شدند و به تشدید

خانواده های جان باختگان و دادخواهان را نیز مصون نگذاشتند و آنان را نیز به بهانه های مختلف روانه زندان کردند. با این همه مبارزان زندانی زندانها را نیز به سنگر مقاومت علیه رژیم تبدیل کردند

تعرض به حقوق کارگر و قوانین حمایتی و اجتماعی توسط حکومت به شدت افزایش یافت و مورد دستبرد راهزنان حاکم قرار گرفت. سن بازنشستگی افزایش یافت، حقوق بازنشستگی کاهش داده شد، سن بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور افزایش داده شده و بسیار از این نوع مشاغل از شمول قانون حذف شدند. سرکوب دستمزدی امسال نیز ادامه پیدا کرد و دولت جنایتکار و فاسد رئیسی امسال نیز تنها با افزایش ۵۰ درصد از نرخ تورم رسمی به دستمزدها موافقت کرد. دستبرد به سرمایه های تامین اجتماعی تشدید شد و بخش بزرگی از موسسات این سازمان تحت لوای خصوصی سازی به وابستگان به قدرت واگذار و دامنه تعرضات غیر قانونی تا واگذاری سهام بانک رفاه کارگران توسعه پیدا کرد. به بهانه مولد سازی بسیاری از موسسات عمومی را بی سر و صدا و به دور از هر نظارتی بین خودی ها تقسیم کردند. غارت اموال عمومی تشدید شد و اسناد تازه‌ای از افزایش فساد در میان امامان جمعه، روسای دستگاه سرکوبگر قضایی و وابستگان کارگزاران از پرده بیرون افتاد. دولتی که با ادعای برقراری عدالت و مبارزه با فساد کار خود را شروع کرد، در رواج بی عدالتی و فساد رکورد های پیشین را شکست

متاسفانه قراین متعدد حاکی از در پیش داشتن سال به مراتب سختتری از سال پیش هستیم. سالی که تنها با اتحاد و همبستگی و گسترش مبارزه می توان بر سختی های آن غلبه کرد

سال ۱۴۰۱ سال تشدید سرکوب، سال تهاجم لجام کسیخته به حقوق زنان و کارگران و معلمان، سال تشدید فقر و فلاکت، سال گرانی و فساد، در عین حال سال مقاومت و مبارزه، سال گسترش اعتراضات و سال نه قاطع مردم به رژیم با تحریم انتخابات فرمایشی بود. به امید فرا رسیدن بهاری فارغ از استبداد و بی عدالتی، تبعیض، فقر و زندان و جنگ و ساختن آینده‌ای روشن برای مردم و کشور با اتحاد و همبستگی و همت همگانی

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن  
بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!  
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران  
و مزد و حقوق بگیران!**



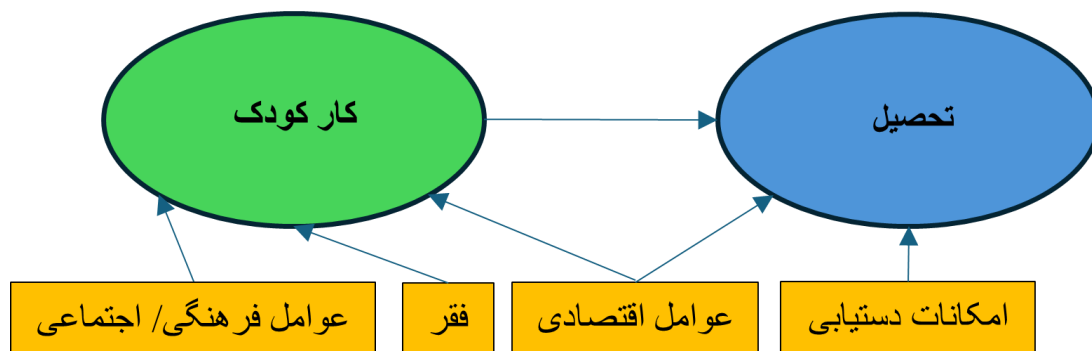
کار کودک، تحصیل، گزینه های سیاستگذاری بخش نهم  
نویسندگان: جی پائوبی، میما پریسیک، نادین پراولت، جورج لارنا-آجی، نورین خان



کودکان کار، بلژیک اواخر قرن نوزدهم

## ساختار مدل، تحقیق و نتایج 5

نمودار بالا سه دسته از عوامل مؤثر بر تصمیم خانواده ها را برای فرستادن فرزندانشان به بازار کار مشخص می کند: عوامل اجتماعی و فرهنگی، فقر و محیط اقتصادی، که خانواده در آنها زندگی می کند؛ با بیان تصریح که باورهای فرهنگی-اجتماعی در این که کار کودک در این یا آن جامعه نکوهش نشود، نقش معینی ایفا می کند.



اولین مجموعه عوامل به شرایط اجتماعی-فرهنگی مربوط می شود. نه والدینی که فرزندان خود را به کار خویش می گیرند یا آنها را به بازار کار می فرستند، و نه کسانی که کودکان را به کار می گیرند، آسیبی را که موجب می شوند، تشخیص نمی دهند. هیچ گونه مانع اجتماعی و اخلاقی مؤثری هم در برابر این تصمیم و اقدام وجود ندارد. در خانواده هایی که در محیط فرهنگی-اجتماعی پیشرفته تری زندگی می کنند، موانع اخلاقی علیه این رویه عمل می کند و این واقعیت، ولو به صورتی فرعی، موجب اکراه خانواده می شود. اما سؤال مهم این است که چه چیز را می توان به عنوان معیار قرار داد، که بر طبق آن عوامل اجتماعی فرهنگی در جامعه معین به این گونه عمل می کنند؟ فرض ما بر این بوده است که سطح سواد زنان معیار فراگیری برای سنجش این عوامل است. این بدان معناست که در صورت یکسانی عوامل،



کشورهایی با بالاترین بی سوادى زنان نیز بالاترین میزان مدارا با اعزام کودکان به بازار کار خواهند داشت. مسئله سواد زنان با چندین مجرای زیربنائی همچون فقر، کمبود اطلاعات عمومی و دانش خاص در مورد مزایای آموزش برای آینده کودک و فرصتهای ممکن برای کودکانی که به دلیل اشتغال از آنها محروم می شوند، مرتبط است. علاوه بر این، سواد پایین به افراد اجازه نمی دهد تا شیوه های سنتی را زیر سوال ببرند.

دومین مجموعه عوامل به فقر مربوط است. چنان که بررسی ادبیات مربوطه نشان داده است، خانواده های فقیر برای تأمین غذا و سایر نیازهای ضرور خود به درآمد حاصل از اشتغال کودکان وابسته اند. ما برای تجزیه و تحلیل این مجموعه، از نرخ جمعیت با درآمد زیر یک دلار در روز به عنوان شاخص فقر در کشورهای انتخاب شده استفاده می کنیم. ما شاخص کمبود غذا و رشد ناقص را نیز برای ترسیم وضعیت فقر به کار بردیم، اما این متغیرها نتایج قابل توجهی نداشتند و در نتیجه حذف شدند. البته هیچ دلیل واضحی وجود ندارد که چرا این دو متغیر باید بی اهمیت باشند. ممکن است داده ها قابل اعتماد نبوده یا تجمیع داده ها در سطح ملی قدرت تمایز این متغیرها را پنهان کرده باشد. این موضوعات از طریق تحقیقات بیشتر سزاوار بررسی دقیق تر اند.

مجموعه سوم عوامل در تصمیم گیری خانواده ها برای فرستادن فرزندانشان به بازار کار می تواند مبتنی بر شرایط عمومی حاکم بر اقتصاد کشور باشد. در یک اقتصاد بزرگ، یعنی اقتصادی که حامل فرصتهای شغلی بیشتری باشد، و/یا اقتصادی با سرعت رشد بالا، انتظار می رود که خانواده ها آموزش کودکان را امکان مناسبی برای بهبود درآمد و دیگر فرصتها در آینده کودکانشان تشخیص دهند؛ ممکن است سرمایه گذاری در آموزش و پرورش کودکان جذاب به نظر برسد؛ ممکن است خانواده ها حتی برای فرستادن فرزندانشان به مدرسه سختی ها را متحمل شوند و آنها را به بازار کار گسیل نکنند. ما در این مجموعه به چندین عامل به عنوان متغیرهای احتمالی توضیحی نگاه کردیم، اما نرخ رشد اقتصادی را به عنوان بهترین نماینده برای نشان دادن عامل کلی اقتصادی یافتیم.

مجموعه چهارم عوامل ناظر به دسترسی به آموزش است؛ اشتغال کودک و میزان درآمد آن می تواند به خودی خود عاملی در تصمیم والدین باشد که کودک شان را به مدرسه بفرستند یا نه. بنابراین، اگر در فاصله معقوله مدرسه ای وجود نداشته باشد، خانواده با دشواری بیشتری می تواند از اعزام کودک به بازار کار اجتناب کند، امری که می تواند هستی کل خانواده را در برابر فقر، ولو فصلی، محافظت کند، و همین می تواند موجب تصمیم خانواده به اعزام کودک به بازار کار گردد. خلاصه این که کم و کیف عرضه تحصیل در تصمیم خانواده نقش دارند.

عوامل متعددی می توانند در تصمیم والدین برای تحصیل کودک نقش داشته باشند، مانند فاصله مدرسه، شهریه و سایر هزینه ها، کیفیت آموزش که عموماً با نسبت دانش آموز به معلم اندازه گیری می شود، حضور معلمان زن، محیط مدرسه، برنامه درسی، و همچنین وجود دورنمایی برای رفتن کودک به مدارج بالاتر تحصیلی، چنان که خانواده ممکن است انتظار داشته باشد. داده های مربوط به این متغیرها به راحتی در دسترس نیستند. بنابراین در بررسی حاضر، عوامل گفته شده از طریق بودجه اجتماعی عمومی، همچون کسری از درآمد ملی، منظور شده اند. این انتخاب مبتنی بر این باور است که در جایی که دولت بیشتر برای خدمات اجتماعی، به ویژه آموزش هزینه می کند، عوامل تعیین کننده عرضه تحصیل و دسترسی به آن مطلوب تر اند.

**کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!**  
**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**



از "سه‌جانبه‌گرایی" تا سه‌جانبه‌گرایی

صادق



سرانجام دولت و کارفرمایان پس از هفته‌ها تعلل یک روز قبل از تحویل سال نو تصمیم نهایی خود در مورد دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۳ را اعلام و صولت مرتضوی وزیر کار دولت ضد کارگری و عدالت ستیز رئیسی آن را ابلاغ کرد.

ظاهرا و طبق قانون و تبلیغات وزیر کار قرار بود تصمیم مربوط به دستمزد بطور سه‌جانبه و مطابق قانون گرفته شود، ولی نه تصمیم نهایی با توافق سه‌جانبه اخذ شد و نه ماده ۴۱ بی‌رمق قانون کار هنگام تصمیمگیری لحاظ شد. در واقع هر آنچه دولت و کارفرمایان می‌خواستند بدون کم و کاست تصویب شد.

ترک اعتراضی آن سه نفری که خودشان بعنوان نماینده کارگر برای خالی نبودن عریضه در شورای عالی کار گذاشته بودند، کوچکترین خللی در تصمیم دولت و کارفرمایان بوجود نیاورد و اصلا کسی آنان را به حساب نیاورد. افشاگری‌ها و داد و قال این جماعت نخودی در بعضی رسانه‌ها نیز به بجایی نبرد و همان شد که صاحبان قدرت و ثروت می‌خواستند.

آن بخش از نیروهای بورژوا لیبرال که لیبرالیسم‌شان را فقط برای سیطره و آزادی عمل بی‌کم و کاست سرمایه‌داران می‌خواهند و نه بیشتر، نه تنها در مقابل قانون شکنی دولت جیک نزدند، بلکه خود با نمایندگان دولت در این کارهمدست شدند تا سفره‌های کارگران را تهی‌تر کنند و ثروت‌های خود را فزونتر نمایند. اتحادیه‌های خود را دارند، در نهادهای قدرت نماینده‌های خودشان را دارند، کسی مانع فعالیت‌هایشان نمی‌شود و نمایندگان‌شان به مانند نمایندگان کارگران و معلمان زندانی نمی‌شوند، لیبرال‌دو آتش هستند ولی لیبرالیسم‌شان زمانی گل می‌کند که خدشه‌ای در منافع خودشان بخواهد بیفتد. یکی از آنها حاضر نشد به وزیر کار بگوید، آقا تو حق نداری بدون موافقت نمایندگان "کارگران" هر جور که می‌خواهی ببری و بدوزی!



ساز و کار سه جانبه گرایی ابداع سوسیال دمکرات های اهل نروژ و اسکاندیناویست. انگیزه ابداع آن ملهم از تز صلح اجتماعی و ایجاد آشتی طبقاتی برای جلوگیری از رشد مبارزه و تضاد طبقاتی است که ایده آن متعلق به سوسیال دمکراسی است.

ساز و کار لازمه برای عملی کردن آن که همانا اتحادیه های کارگری، حق اعتصاب و رسمیت قراردادهای دسته جمعی است در قانون این کشورها به رسمیت شناخته شده و به آن عمل می شود.

هر ساله مذاکرات برای تعیین دستمزد و شرایط کاری و رفاهی از طریق مذاکره بین سازمانهای کارگری و کارفرمایی هم در سطح کشوری و هم در سطح محلی برای انعقاد قراردادهای رسمی شروع می شود. دولت با وجود اینکه خود در بخش دولتی کارفرما محسوب می شود بیشتر نقش میانجی را به عهده دارد و اغلب اوقات زمانی مداخله می کند که اتحادیه ها نمی توانند به توافق برسند. در آن هنگام هم پرنسیب میانجیگری را سعی می کند حفظ کند. یک میانجی ارشد هم وجود دارد که از اعتماد طرفین برخوردار است و زمانی که قضیه به مرحله اعتصاب می رسد تلاش می کند طرفین را به توافق نزدیک کند. اگر این اختلافات به نتیجه نرسد اعتصاب می شود و تکلیف نهایی را روشن ده ها کند. طرفین نیز قرار داد امضا شده را تا سر رسید آن مراعات می کنند و مانند ایران که کارفرماها زیر قول و قرار هایشان می زنند رفتار نمی کنند، یعنی قانون به کسی اجازه نمی دهد.

این سیستم بهر حال ده ها سال است برقرار است و تا کنون عمل کرده است.

در مارس و آوریل معمولاً مذاکرات برای انعقاد و تمدید و تکمیل قراردادهای دسته جمعی به نحوی که شرایط آن را مقابله نامه های سازمان بین المللی کار و قانون کار تعیین کرده است شروع می شود. بر خلاف ماده ۴۱ قانون کار ایران که سقف دستمزد را حفظ سطح قدرت خرید و نه صرفاً بهبود آن قرار داده است، در این کشورها اتحادیه ها بر سر افزایش قدرت خرید با هم مذاکره می کنند و نه حفظ سطح موجود.

برای مثال، هم اکنون در نروژ نرخ تورم، ۴،۱ درصد است اتحادیه های کارگری خواستار ۵ درصد افزایش هستند. نتیجه هم معمولاً بعد از مذاکرات وسط ۴ و ۵ مورد توافق قرار می گیرد. یعنی بهر حال اندکی قدرت خرید بهبود پیدا می کند. همه ساله معمولاً روال کار به همین منوال است. بهمین دلیل کارگران در این کشورها مانند ایران محکوم به این نیستند که زیر خط فقر زندگی کنند. سطح زندگی کارگران در این کشورها بالای خط فقر قرار دارد.

اما سه جانبه گرایی در ایران که در قانون کار آمده نه کامل است، نه ملزومات آن که اتحادیه و حق اعتصاب است وجود دارد و همین هم که موجود است هیچ گاه توسط دولتها رعایت نمی شود. بهمین دلایل است که عده ای به غلط سازوکار سه جانبه گرایی را از اساس رد و به خطا آنرا باعث سقوط قدرت خرید و ابزاری در خدمت سرکوب دستمزد تلقی می کنند. دست بر قضا این حرفها به مذاق کارفرمایان و دولت هم خوش آمده که دارند مقدمات برچیدن بساط سه جانبه گرایی و سپردن اختیارات آن به یک نهاد دولتی یک جانبه را فراهم می کنند. صولت مرتضوی وزیر کار فاسد و بد نام و بد سابقه ی دولت رئیسی هم گفته است، که تصمیم در مورد دستمزد را می خواهند با تغییر قانون کار به مجلس یا دولت واگذار کند. با این اوصاف منطق حکم می کند بجای مخالفت با سه جانبه گرایی، برای فراهم کردن الزامات عملی آن مبارزه کرد. این سازوکار با همه ی کمبود هایش اگر در قانون باقی بماند، بهتر است تا آنرا حذف کنند. زیرا اگر حذف اش کنند، باز گرداندن آن بسیار دشوار خواهد بود و این بیشتر به زیان کارگر تمام می شود.

در حکومتهای سرمایه داری هنوز ساز و کار و جایگزین بهتری برای سه جانبه گرایی وجود ندارد. عیب و ایراد و علت اینکه ساز و کار سه جانبه گرایی در ایران عمل نمی کند به حاکمیت استبدادی، جلوگیری از فعالیت



اتحادیه ها و احزاب کارگری، قوانین ناکارآمد و پایبند نبودن دولت و کارفرمایان به قوانین و حرص و طمع زیاده از حد سرمایه داران برای کسب سود هر چه بیشتر است. طبیعی است که این روال در نهایت دیر یا زود به شورش و قیام و انقلاب منجر شود.

در شرایطی که تورم و گرانی و هزینه های زندگی روز به روز غیر قابل تحملتر می شود، مصوبه دستمزدی امسال قطعا به فقر و تنگدستی ۵۰ میلیون خانواده کارگری و گسترش اعتراضات آنان دامن خواهد زد و ممکن است شرایطی را رقم بزند که عوامل و تصمیم گیرندگان مصوبه دستمزد را از کرده خود پشیمان سازد!

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!**

در سال ۱۴۰۲؛ ثبت ۱۳۷ مورد حوادث ناشی از کار در گیلان



مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گیلان از وقوع ۱۳۷ مورد حوادث ناشی از کار در سال ۱۴۰۲، خبر داد. به گفته وی، این میزان نسبت به سال گذشته هفت درصد کاهش یافته است.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، در سال ۱۴۰۲، ۱۳۷ مورد حوادث کاری در گیلان ثبت شد.

سیاوش آقاجانی، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گیلان در این خصوص گفت: "طبق گزارش بازرسان کار ۱۳۷ مورد حوادث ناشی از کار در سال ۱۴۰۲ گزارش شده که این میزان در سال قبل ۱۴۸ نفر بوده است. بر اساس گزارش بازرسان هفت درصد حوادث کارگری در این استان کاهش یافته است."

در اظهارات آقاجانی درباره اقدامات انجام شده برای بهبود ایمنی در کارگاه ها آمده است: در سال جاری، بیش از ۱۰ هزار مورد بازرسی انجام شده و ۱۳۷ کارفرمای متخلف به مراجع قضایی معرفی شده اند. همچنین، این اداره همراه با انجمن های صنفی و موسسات آموزشی، چهار همایش برای آموزش کارفرمایان و مسئولان ایمنی و کارگران کارگاه ها برگزار کرده است.

## مرگ و مصدومیت ۱۰ کارگر در چهار حادثه شغلی متفاوت

طی سه روز گذشته، ۱۰ کارگر در چهار حادثه جداگانه شغلی در شهرهای تهران، بندر عباس، اردستان و واراک جان خود را از دست داده یا زخمی شدند.



به گزارش ایلنا، در حادثه اول که روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه در یک ساختمان نیمه کار و در حال ساخت در خیابان میرداماد تهران رخ داد، چهار کارگر بر اثر تخریب ناگهانی سقف طبقه فوقانی ساختمان دچار مصدومیت می‌شوند.

سیدجلال ملکی (سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران) با تشریح این حادثه گفت: در پی این اتفاق که بدنبال رعایت نشدن نکات ایمنی رخ داد سقف طبقه ششم بر روی ۴ کارگری که در طبقه پنجم مشغول کار بودند فرو ریخت، و کارگران مصدوم به بیمارستان اعزام شدند.

در حادثه دوم که در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه رخ داده است، چهار کارگر بر اثر آتش سوزی کوره طرح توسعه فاز ۳ شرکت پالایش نفت آفتاب بندرعباس دچار حادثه سوختگی شدند که در نتیجه یکی از کارگران در محل جان باخت.

مهرداد حسن زاده (مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان) درباره آخرین جزئیات این حادثه گفته است؛ حدود ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه کوره طرح توسعه فاز ۳ شرکت پالایش نفت آفتاب بندرعباس که یک شرکت خصوصی است دچار آتش سوزی شد که در نتیجه آن یک نفر در محل جان خود را از دست داد و سه نفر هم دچار سوختگی شدند که توسط امداد و نجات به مرکز درمانی شهید محمدی بندرعباس اعزام شدند.

در حادثه سوم که باز هم روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه رخ داد یک کارگر حدوداً ۴۳ ساله که سوار بر موتور در محوطه داخلی کارخانه دنیای فلزاردستان در حال حرکت بود با یک تریلی حامل بار لوله برخورد کرد و بر اثر شدن جراحات وارده جان باخت.

اما در حادثه دیگر که شب گذشته جمعه ۱۸ اسفند ماه رخ داد، یک کارگر مقنی که شبانه در حال حفر چاه . . در حوالی شهر مهاجران اراک بود، بر اثر سقوط از ارتفاع چاه جان خود را از دست داد.

محسن فضلی (سرپرست آتش نشانی اراک) درباره این حادثه که برای یک کارگر حدوداً ۴۰ ساله اتفاق افتاده، گفت: این حادثه در ساعت ۲۱:۲۴ دقیقه شب گذشته (جمعه) برای یک کارگر اراکی در حالی اتفاق افتاد که وی حین کار در چاهی در منطقه شهر مهاجران از ارتفاع ۳۰ متری به انتهای چاه سقوط می‌کند.

## چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

### مرگ یک کارگر بر اثر سقوط مگنت صنعتی

در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار، یکی از کارگران شرکت فولاد پارس هفت تپه طی حادثه ای جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا، امروز یکشنبه بیست و هفتم اسفند ۱۴۰۲، یکی از کارگران شرکت فولاد پارس هفت تپه بر اثر سانحه سقوط مگنت صنعتی جان خود را از دست داد.

براساس این گزارش، مگنت ۵ تُنی که با سیم بکسل به جرثقیل متصل بود، پس از بریده شدن سیم بر سر یک کارگر فرود آمد و جان این کارگر جوان را گرفت.

هویت این کارگر "رسول حسینیان فر، متاهل و پدر دو فرزند" عنوان شده است.





یکی از همکاران این کارگر در مصاحبه با ایلنا گفت: ما از لحاظ ایمنی در خطر هستیم. شرکت باید ایمنی تمام کارگران را تامین کند اما متاسفانه ما در این مدت شاهد چند حادثه بودیم که تا به امروز دو تن از همکاران جوان خود را بخاطر عدم ایمنی از دست داده ایم.

## مرگ و مصدومیت دو کارگر در سایه فقدان ایمنی کار

در سایه فقدان ایمنی و شرایط نامناسب کار، دو کارگر در ورامین و اسلامشهر دچار حادثه شدند. طی این حوادث یک کارگر مصدوم و یک تن دیگر جان خود را از دست داد.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، روز جمعه بیست و پنجم اسفند ۱۴۰۲، یک کارگر حین کار در حاشیه یک استخر ذخیره آب کشاورزی واقع در محدوده «یوسف رضا» از توابع بخش پیشواک شهرستان ورامین بر اثر سقوط در آب دچار حادثه شد و جان باخت.

در این گزارش آمده است: بررسی های اولیه نشان میدهد این کارگر که تبعه افغانستان بوده است در کناره یک حوضچه آب کشاورزی مشغول کار بوده که به دلیل لغزندگی لبه بیرونی استخر به داخل آب سقوط کرده و دچار خفگی شده است. اما علت اصلی این حادثه در دست بررسی است.

## مصدومیت یک کارگر در اسلامشهر

به گزارش ایلنا، در سایه شرایط نامناسب محیط کار در یک کارگاهی در چهار دانگه شهرستان اسلامشهر یک کارگر مصدوم شد.

در این حادثه کارگر مذکور که ۲۲ سال سن دارد، هنگام کار با دستگاه برش دستش را از ناحیه مچ از دست داده است. وی جهت مداوا به بیمارستان «امام خمینی» منتقل شده است.

از فراکسیون "کارگری" بدون کارگر و نماینده بی پشتیبانی کارگری کاری ساخته نیست

صادق





علی بابائی کارنامی که خبرگزاری ایلنا با عنوان رئیس فراکسیون کارگری مجلس از وی یاد کرده، از تصمیم دولت و کارفرمایان در خصوص دستمزد ۱۴۰۳ انتقاد کرده و آنرا خلاف میل کارگران عنوان نموده است.

ایلنا به نقل از او نوشت:

نماینده مردم ساری و میان دورود در مجلس شورای اسلامی افزود: به عنوان رئیس فراکسیون کارگری "مجلس پیش از این تصمیم نیز به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی متذکر شده بودم، چنانچه در شورای عالی کار بر خلاف قوائد و قانون تصمیم‌گیری شود، حتما ورود خواهیم کرد و با توجه به تصمیم اتخاذ شده "مجلس به این موضوع ورود خواهد کرد"

گذشته از اینکه اساسا کارگری به مجلس راه پیدا نکرده که بتواند فراکسیون تشکیل دهد تا برسد به اینکه رئیس و مرتوس داشته باشد، اظهارات این نماینده مجلس فرمایشی تنها به کار آب پاشیدن روی آتش خشم کارگران می آید و گویا بهمین خاطر به او اجازه داده‌اند از طرف فراکسیون غیبی اظهار فضل نماید. او گفته است پیش از اخذ این تصمیم به وزیر کار هشدار داده بوده

با این حساب معلوم می شود که هشدار او قبل از تصمیم وزیر کار همچنان که در تصمیم وزیر اثری نداشته، بعد از این نیز تاثیری نخواهد داشت و لاف و گزافی بیش نیست که برای کارگر به پیشیزی نمی ارزد.

در مجلس در بهترین حالت در دوره های قبلی یکی دو نماینده، مانند علیرضا محجوب و سهیلا جلودار زاده حضور داشتند که خود را نماینده کارگر می خواندند و فراکسیونی نیز داشتند که هیچ یک از اعضای آن کارگر نبودند و مانند تشکیلات خانه کارگر قلابی بود

این فراکسیون در آن زمان نه تنها باعث تصویب یک لایحه در جهت بهبود حقوق کارگر نشد، بلکه در زمان حضور اش نتوانست سد راه از میان برداشتن چند ماده سر و دم بریده حمایتی قانون کار حتی در مجالس و دولتهایی شود که خانه کارگر و حزب اسلامی کار از متحدان آنها بودند

در انتخابات فرمایشی این دوره انگشت شماری بنام کارگر از طرف خانه کارگری ها نامزد شدند که هیچ کدام شان به مجلس راه پیدا نکردند که بتوانند فراکسیون کارگری تشکیل دهند. کمیسیونی که بنام کارگر تشکیل شده به مانند کمیسیون های دوره های پیشین حکم تزئینی و تبلیغی دارد و بهمین جهت فاقد پشتوانه و اختیار و تاثیر گذاری روی تصمیمات مجلس و دولت است و وظیفه دارد هر وقت مقامات لازم دیدند از آن برای پیشبرد هدف هایشان بهره بگیرند

کلا بعد از تصمیم گیری در مورد دستمزد، صفحات برخی رسانه ها پر شده از اظهارات ضد و نقیض افرادی که بعنوان نمایندگان کارگران از آنها یاد می کنند. در میان بعضی از اظهار نظرات و مصاحبه ها معلوم می شود که این جماعت از اول در مقابل دولت و نمایندگان کارفرمایان با مشیت باز وارد چانه زنی شده و قدم به قدم از حداقل خواست خود عقب نشینی کرده بودند. یکی از آنها حتی خواستار اضافه شدن وزیر صمت به هیئت دولتی و تقویت موضع آنها شده بود. یکی دیگر گفته است ما حاضر شدیم ۶۹ درصد هزینه سبد خانوار را بپذیریم، ولی دولت پیشنهاد ما را رد کرد. یکی هم از حمایت وزیر صمت از دولت و کارفرمایان اظهار تاسف کرده بود. همه ی این التماس و درخواستهای زبونانه بخاطر آن است که این به اصطلاح نمایندگان فاقد پشتوانه کارگری هستند و از کسانی امید یاری داشتند که مصوبه دستمزد را بدون اعتنا به تمناهای آنها تصویب و یکی از همکاران شان را از شورا بیرون انداخته بودند. حالا که کار از کار گذشته با همه ی تحقیر و توهینی که به آنها کرده‌اند جرات اقدامی به غیر از غر زدن ندارند. حکم کسانی را دارند که از همه جا رانده و مانده شده باشند. در دولتهای قبلی هر چه بود یک جوری آبروی آنان را سعی می کردند



نگهدارند چون به آنان نیاز داشتند، اما در دولت رئیسی به رغم حمایتی که شوراهای اسلامی و خانه کارگر از رئیسی و حکومت کردند و تا آنجا در این کار خوش خدمتی نشان دادند که جلسه تشکیل دادند و در آن از سرکوب جنبش زن، زندگی، آزادی حمایت کردند، ولی با بی مهری دولت مواجه شدند. زیرا دولت می خواهد اختیار تعیین دستمزد را از شورای عالی کار بگیرد و دیگر نیازی به آنها ندارد.

جدول حقوق کارگران در سال ۱۴۰۳				
ردیف	شرح	روزانه (ریال)	ماهانه (ریال)	
سطح پایه (حداقل)				
۱	حداقل دستمزد (با مبنای ۳۰ روزه)	۳,۳۸۸,۷۲۸	۷۱,۶۶۱,۸۴۰	
۲	بن کارگری	۴۶۶,۶۶۶	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	
۳	حق مسکن	۳۰۰,۰۰۰	۹,۰۰۰,۰۰۰	
۴	حق اولاد (برای هر فرزند)	۲۳۸,۸۷۲	۷,۱۶۶,۱۸۴	
۵	پایه سنوات (به شرط داشتن یک سال سابقه کار)	۷۰,۰۰۰	۲,۱۰۰,۰۰۰	
سایر سطوح مزدی				
۱	درصد افزایش سایر سطوح نسبت به سال قبل	۲۲ درصد		
۲	مبلغ ثابت اضافه پرداختی ماهانه	۲۳۰,۰۰۰	۶,۹۰۰,۷۸۰	
۳	پایه سنوات	۷۰,۰۰۰	۲,۱۰۰,۰۰۰	
۴	بن کارگری	۴۶۶,۶۶۶	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	
۵	حق مسکن	۳۰۰,۰۰۰	۹,۰۰۰,۰۰۰	
۶	حق اولاد (برای هر فرزند)	۲۳۸,۸۷۲	۷,۱۶۶,۱۸۴	
۷	حق ناهل		۵,۰۰۰,۰۰۰	



ممانعت از آزادی جعفر ابراهیمی، معلم زندانی، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای  
صنفي فرهنگيان ايران





صدها نفر در پاریس خواستار آزادی چهار گروگان فرانسوی در ایران شدند

در پاسخ به فراخوان خانواده‌های چهار گروگان فرانسوی در ایران، صدها نفر روز شنبه در میدان جمهوری پاریس تجمع و حمایت خود را از فرانسوی‌های زندانی در ایران اعلام کردند.

به گزارش ار. آی، اف، سسیل کولر و همسر او ژاک پاری، هر دو آموزگار و عضو سندیکای "نیروی کارگری" فرانسه، و همچنین لویی آرنو و آلیویه (که به درخواست بستگانش نام خانوادگی او اعلام نشده) از نظر دولت فرانسه گروگان‌های دولتی در جمهوری اسلامی ایران هستند.

گروگان‌های پیشین فرانسوی در ایران از جمله بنژمن بیریر، فریبا عادلخواه، برنار فلان و فلورانس اُبناس در اجتماع امروز در میدان جمهوری پاریس حضور داشتند. تجمع‌کنندگان خواستار آزادی فوری چهار گروگان فرانسوی در ایران شدند.

جمهوری اسلامی ایران با دستگیر کردن اتباع غربی و متهم کردن آنان به جاسوسی می‌کوشد از آنان به عنوان ابزار فشار در تعاملات خود با قدرتهای غربی استفاده کند.



**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**